

## نامه ها و نظرات

### برخی دیدگاه های توده ای داخل کشور جنبش اصلاحات سازمان نیافت زیرا درک اجتماعی- علمی از آن وجود نداشت

دوستان گرامی راه توده!

در مورد مسائل کنونی جنبش، ارزیابی زیر جمع بندی دوستان مشترکی است که با یکدیگر تبادل نظر داریم و خواستیم شما نیز از آن مطلع باشید:

ما پدیده اصلاحات را بخشی از یک فرایند اجتماعی می بینیم که با انقلاب بهمن 57 آغاز شده است و در مقطع زمانی مشخص (2 خرداد) به صورت جنبش اصلاحات نمود پیدا کرد.

بنابراین، ماهیت این جنبش را، چه به صورت پدیده خودبه خودی در نظر بگیریم و چه آن را معلول نقش آگاهانه طبقات و اقشار اجتماعی مشخص، در هر دو صورت در وهله اول با یک واقعیت اجتماعی انکارناپذیر مواجه هستیم. دست رد به سینه این پدیده اجتماعی، یعنی اصلاحات زدن و طرد آن، آنگونه که عمده اپوزیسیون خارج از کشور عمل کرد و همچنان می کند، قبل از هر چیز انکار یک واقعیت اجتماعی است که در چگونگی مواجهه با آن در مانده است. امری که به نظر ما به منزله درک نکردن بخشی از کلیت یک فرایند اجتماعی است که برای هدایت آن در مسیری صحیح و مترقی، حداقل آگاهی از دینامیسم اجتماعی آن و شناخت جوانب عمده آن حیاتی است. جنبش اصلاحات، نه تنها این جنبش، که هر پدیده اجتماعی تاثیر گذار دیگری که در بطن اجتماع خواست های معینی را نمایندگی می کنند، جهت گیری مشخصی در کلیت فرایند تاریخی جامعه پیدا می کنند. این گونه نیست که این جهت گیری تقدیری از پیش ساخته باشد، بلکه عمل اجتماعی آگاهانه پیشروان جنبش اجتماعی، و در نهایت کل جنبش می تواند آن را از منظر تاریخی در مسیر صحیح بیندازد و به تحولات اجتماعی مثبت بیانجامد. جنبش اصلاحات نیز از چنین قانون عامی مستثنی نیست. آنچه امروز بر سر اصلاحات با پشتوانه 20 میلیونی در سال 76 آمده، ناشی از سیر حرکتی خود به خودی این جنبش و حداقل تاثیر گذاری عمل آگاهانه انسان بر آن بوده است.

8 سال قبل، اگر می دانستیم در بسیج توده ها و انتقال شناخت اجتماعی به آن ها امکانات لازم را در اختیار نداریم، چنین افقی، همان زمان بر ما عیان بود. چنانچه اگر در جلب حمایت مردم، در راستای خواست های مترقی و ملموس جنبش موفق بودیم، یقینا شاهد شرایطی به کلی متفاوت با آنچه امروز با آن مواجهیم بودیم و راه را برای اصلاحات و تحولات بنیادین باز می دیدیم. البته این به آن معنا نیست که همه آنچه بر سر جنبش اصلاحات آمده ناشی از عدم درک تاریخی صحیح از شرایط موجود بوده است (که به نظر ما نقش عمده را همین ناتوانی در شناخت مساله داشته است) بلکه از دیگر سو، قدرت غلبه ارتجاع، و اگر با نگاهی عمیق تر بنگریم، شرایط جهانی نیز، آشکارا کفه را به سود امپریالیسم و نومحافظه کاران سیاسی سنگین کرده است. چنان، که پیوندهای بین این دو قطعا تاثیرات زیانباری در انحراف جنبش و رساندن آن به ورطه کنونی داشته اند.

سلطه نو محافظه کاران به اکثریت حاکم در مجلس هفتم ناشی از همین شرایط عمومی جهانی به سود نیروهای کنسرواتیو است.

و اما در مورد مسئله اول، یعنی دلایل ناتوانی و بی عملی اپوزیسیون در سازماندهی جنبش مسائلی قابل طرح است. به نظر ما، تشتت و بی عملی اپوزیسیون امروز از یکسو، در کلیت آن از ضعف جنبش در داخل سرچشمه می گیرد و از سوئی دیگر این تشتت نظری باعث اتخاذ تاکتیک های غلط سیاسی گردیده که به نوبه خود ضعف جنبش را تشدید کرده است. به عبارت دیگر، ناتوانی در شناخت و اتخاذ تاکتیک های موثر و منطبق با شرایط روز (نداشتن و بی اعتقادی به نظریه اجتماعی- علمی) در عرصه عمل، که همان سازماندهی باشد، جنبش را به بی عملی دچار کرد. نمونه بارز این مساله را در نگاه نادرست اکثریت اپوزیسیون نسبت به پایگاه طبقات و اقشار اجتماعی خواهان صلاحات مشاهده کردیم، که نهایتاً به حاکم شدن محافظه کاران و ازدست دادن فرصت ها انجامید.

با توجه به آنچه ذکر شد، سنگ محک موفقیت اپوزیسیون را در میزان شناخت و آگاهی سیاسی منتقل شده به طبقات و اقشار زحمتکش میدانیم. منظور تمامی اقشار استنمارشونده چون زنان، دانشجویان، معلمان، کارگران، روستائیان و ... است. در طول دوران اصلاحات آگاهی سیاسی عمومی مردم در سطح افشاگری هائی همچون قتل های زنجیره ای و ... (که به نوبه خود بسیار مهم بود) باقی ماند و به عمق نرفت. ما نیز آگاهی سیاسی را در قدرت درک عمق تحولات جامعه می بینم که با چنین معیاری، اکثریت مردم از آن بی بهره اند. دلیل ما اینست که اگر چنین درکی وجود داشت، بازتاب آن باید در سازمانهای سیاسی، بصورت اصلاح خط مشی مشاهده می شد، که نه تنها چنین نیست، بلکه- بویژه در اپوزیسیون خارج از کشور- کماکان برکوس تحریم و انفعال سیاسی می کوبند. به دیگر سخن، بین مساله سازماندهی و آگاهی سیاسی جنبش پیوندی دیالکتیکی وجود دارد و بازتاب عمل هر یک را در عملکرد دیگری می توان مشاهده نمود. بنابراین، بعنوان جمع بندی اوضاع کنونی شاهد رکود جنبش در داخل و ضعف سازمانهای سیاسی در بخش عمده آن هستیم.

راه برون رفت از چنین شرایطی را نیز در فعالیت آگاهانه احزاب برای تصحیح مشی سیاسی خود، با درک شرایط روز و اتخاذ تاکتیک های متناسب با آن می دانیم. در غیر این صورت به امید حرکت خود به خودی جنبش در داخل نشستن اعتراف به پذیر تقدیر است، که راه به نا کجا آباد خواهد برد.